

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری - هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران Quality of attachment and behavioral-emotional problems in adolescents: Exploring the role of fathers

Sh. Pakdaman: Assistant Professor, Shahid Beheshti University

P. S. Seyed Mousavi: PhD student in psychology

E-mail: p_mousavi@sbu.ac.ir

S. Ghanbari: PhD in psychology

شهلا پاکدامن: استادیار دانشگاه شهیدبهشتی

پریسازادات سیدموسوی: دانشجوی مقطع دکتری روان‌شناسی

سعید قنبری: دکترای روان‌شناسی

چکیده

Abstract

Aim: The purpose of this study was studying the role of quality of attachment to fathers in predicting behavioral and emotional problems in adolescents. **Method:** The type of this research was correlation and the population was all the third middle school and first high school grade girls and boys in Tehran (123718 people). For this, 320 adolescents (girls=170, boys=150) from 5 educational region in Tehran have selected by multiphase cluster sampling and completed (a) the Youth Self-Report Achenbach & Rescola (1987) and inventory of parent and peer attachment Armsden & Greenberg (2001). **Results:** Result showed that attachment to father and its components in girls more than boys is related to internalizing and externalizing syndrome. In girls, attachment to father and alienation of him were most important negative and positive predicting factors of internalizing and externalizing syndrome. In boys, alienation of father, both for internalizing and externalizing syndrome, was most important positive predicting factor. **Conclusion:** In total, result showed attachment to father have significant role in predicting psychological problems in both girls and boys. However the nature of this relationship is different for them. It seems also alienation of father is the most important component of attachment quality in predicting of psychological problems in adolescents.

Keywords: adolescents, behavioral-emotional problems, father, quality of attachment

هدف: هدف پژوهش تعیین نقش کیفیت دلبستگی به پدر در پیش-بینی مشکلات رفتاری و هیجانی نوجوانان بود. **روش:** روش پژوهش همبستگی و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقاطع سوم راهنمایی و اول دبیرستان شهر تهران به تعداد ۱۲۳۷۱۸ نفر بود. به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای از ۵ منطقه آموزشی در سطح تهران ۳۲۰ نوجوان دختر و پسر (۱۷۰ دختر و ۱۵۰ پسر) انتخاب شدند و پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی نوجوان آخنباخ و رسکولا (۲۰۰۱) و سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۸۷) را تکمیل کردند. **یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد دلبستگی به پدر و همه مؤلفه‌های آن در دختران بیش از پسران با نشانگان برونی‌سازی و درونی‌سازی رابطه دارد. در دختران مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده منفی نشانگان درونی‌سازی شده، دلبستگی به پدر و بیگانگی از پدر مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده مثبت نشانگان برونی‌سازی شده بود. در پسران بیگانگی از پدر هم در پیش‌بینی نشانگان برونی‌سازی شده و هم نشانگان درونی‌سازی شده بیشترین سهم را داشت. **نتیجه‌گیری:** با توجه به این که دلبستگی به پدر نقش معناداری در پیش‌بینی مشکلات روان‌شناختی نوجوانان پسر و دختر دارد و ماهیت این رابطه در دو جنس متفاوت است، لازم است برنامه‌هایی آموزش پدران در این زمینه طرح ریزی شود.

کلیدواژه‌ها: پدر، کیفیت دلبستگی، مشکلات رفتاری-هیجانی، نوجوانان

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۳/۱۱؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۹/۱۱/۱۷؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۱۴

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با حمایت پژوهشکده خانواده دانشگاه شهیدبهشتی انجام شده است

مقدمه

به دلیل تغییرات ساختار زندگی، در ۲۰ سال گذشته توجه پژوهشگران بیش از هر زمان دیگری، معطوف بر نقش پدران و بررسی اثر این تغییرات بر تحول کودکان شده است. در ابتدا بیشتر این مطالعات متمرکز بر مطالعه تاثیر فقدان پدر و سپس میزان مشارکت و حضور پدر بود و تنها در سال‌های اخیر است که پژوهشگران به جنبه‌های دیگر این رابطه توجه کرده اند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند در کل، پدرها زمان کمتری را صرف تربیت فرزندان خود می‌کنند، به عنوان مثال، لمب^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی به این نتیجه دست یافت که زمان تعامل پدرها با کودک حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد مادران است. همچنین، حتی با وجود زمان و فعالیت یکسان، تفاوت فاحشی میان ماهیت و کیفیت تعامل و درگیری پدر و مادر با کودکانشان وجود دارد (ویلیامز و کلی^۲، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد علاوه بر انتخاب شخصی و خانوادگی میزان نقش پدر در تربیت کودک، عوامل فرهنگی نیز از طریق تعریف نقش والدین در خانواده نقش مهمی در این جریان ایفا کند. پژوهشگران علوم اجتماعی بر نقش‌های مختلف پدران چون وقف نمودن یا اعطا کردن^۳، محافظت^۴، نظارت^۵ و شکل‌دهی^۶ تأکید کرده‌اند (گاوین^۷، ۲۰۰۲). در سال‌های اخیر درگیری پدر در فرایند تحول کودک جنبه‌های مختلفی یافته است و پژوهشگران، به‌ویژه نظریه‌پردازان دلبستگی به دسترسی پذیری، مسئولیت‌پذیری، پاسخدهی، صمیمیت و توانایی خوش‌مشرب بودن پدر اشاره نموده‌اند (پلک و استو^۸، ۲۰۰۱).

در دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گری کلاسیک به نقش پدر در مرحله ادیپی نگریسته شده است، و افرادی همچون لووالد^۹ (۱۹۵۱) و بعدها ماehler^{۱۰} (ماهلر و گاسلینر^{۱۱}، ۱۹۵۵) و گریناکر^{۱۲} (۱۹۵۷) بر نقش مجزای پدر در اکتساب هویت در سال‌های اولیه کودکی تأکید کرده اند. ویزدم^{۱۳} (۱۹۷۶) نیز نقش پدری را در تشویق کودک به پذیرفتن ناکامی، نشان دادن ظرفیتی که

-
1. Lamb
 2. Williams & Kelly
 3. endowment
 4. protection
 5. provision
 6. formation
 7. Gavin
 8. Pleck & Stueve
 9. Loewald
 10. Mahler
 11. Gosliner
 12. Greenacre
 13. Wisdom

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران

با رویدادهای تنیدگی‌زا در هم شکسته نمی‌شود و همدلی کردن، و البته در کنار نشان دادن این که این رویدادها تحمل‌پذیر هستند، می‌دید. وینی کات^۱ (۱۹۹۰) نقش پدر را در دوران نوزادی، حمایت از مادر برای آماده شدن در محیط جدید می‌دانست. از سوی دیگر وی معتقد بود نقش پدر در دوران نوجوانی فراهم کردن محیطی غنی، بدون قصاص و بدون انتقام و کینه‌جویی است که به نوجوان امکان رویارویی با مسائل و سرکشی را بدهد. البته در کل، هم وینی کات و هم کلاین بیشتر بر نقش مادر تأکید دارند و نقش پدر را فرعی و در حمایت از مادر می‌بینند و تنها در دوران نوجوانی است که پدر به عنوان فراهم‌کننده الگویی برای همسان‌سازی مطرح می‌شود (فلوری^۲، ۲۰۰۵).

نظریه دلبستگی از دیگر نظریه‌هایی است که بر رابطه مادر- کودک متمرکز بوده است. بالبی^۳ (۱۹۸۲-۱۹۶۲) فرض کرد کودک سلسله مراتبی از روابط دلبستگی را ابتدا با مادر به عنوان مراقب اولیه توسعه می‌دهد. در سال ۱۹۶۷، اینس ورث نوشت که تقریباً تمام کودکانی که در یک دوره خاص به مادران خود دلبسته می‌شوند، به چهره‌های آشنای دیگر همچون پدر، مادر بزرگ و پدر بزرگ نیز دلبسته می‌شوند (به نقل از کسیدی و شاور^۴، ۲۰۰۸). روابط دلبستگی مادر- کودک و پدر- کودک در یک دوره تحولی ساخته می‌شود ولی این دو رابطه مستقل از هم ساخته شده و ایمنی دلبستگی با دو والد اغلب متفاوت است که نشان می‌دهد هر کدام از این رابطه‌ها توسط تعامل‌های خاصی شکل می‌گیرد (گراسمن، رممر-بومبیک، کیندلر، شوئر-انگلیش و زیمزمن^۵، ۲۰۰۲).

یکی از نکات مهم در مطالعه دلبستگی نوجوانان، تعارض میان رفتارهای دلبستگی و تحول استقلال آن‌ها از والدین و هدفمند شدن دلبستگی است. در این سن، کنش‌وری پیشین نظام دلبستگی می‌تواند به عنوان تهدیدی در برابر تلاش نوجوان برای استقرار خودمختاری باشد. بنابراین برای نوجوان مشکل است که بتواند میان این دو تعادل برقرار کند. با این وجود به نظر می‌رسد رابطه مبتنی بر دلبستگی ایمن این انتقال را تسهیل کند (آلن، هاسر، اکانر و بل^۶، ۲۰۰۲). از سوی دیگر اثر دیگر تغییر توازن میان دلبستگی و رفتار کاوشگراییانه در نوجوانان، افزایش ظرفیت نوجوان برای ارزیابی دوباره ماهیت روابط دلبستگی با والدین است (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸). با استقلال هر چه بیشتر نوجوان از والدین به عنوان چهره‌های دلبستگی، آزادی

1. Winnicott

2. Flouri

3. Bowlby

4. Cassidy & Shaver

5. Grossmann, Remmer-Bombik, Kindler, Scheuerer-Englisch & Zimmermann

6. Allen, Hauser, O'Connor & Bell

بیشتری نسبت به نیاز به نظارت و اطمینان از در دسترس بودن والدین برای ارضای نیازهای دلبستگی به وجود می‌آید. مین، گلدوین و هسه^۱ (۲۰۰۳) به این آزادی هیجانی و شناختی به-عنوان فضای اپیستمیک^۲ اشاره و پیشنهاد می‌کنند که این فضا به نوجوان اجازه می‌دهد تا والدین خویش را به طور عینی تری ارزیابی نماید. با این که در دوره نوجوانی نیز بیشتر پژوهش‌ها درباره مادران صورت گرفته است ولی نتایج بررسی‌های اخیر نشان می‌دهد که الگوهای مشابهی برای پدران نیز وجود دارد (آلن، پورتر، مک فارلند، مک الهانی، مارش^۳، ۲۰۰۷).

همان طور که گفته شد با وجود آن که زمینه روان‌شناسی تحولی از دیرباز تاکنون متمرکز بر شناسایی و درک عوامل تأثیرگذار خانوادگی و والدینی بوده که هم در تحول سالم و بهینه، و هم در آسیب‌شناسی روان‌شناختی کودکان و نوجوانان سهیم است (براون و رایت^۴، ۲۰۰۳)، اما بیشتر این پژوهش‌ها متمرکز بر متغیرهای دلبستگی مادر-کودک و رفتارهای مادرانه بوده و به نقش پدری توجه اندکی شده است (کابرا، تارمیس-لموندا، بردلی، هفرت و لمب^۵، ۲۰۰۰). معمولاً به پدران در حاشیه زندگی کودکان نگاه شده و بنابراین فرض شده است که پدر اهمیت مستقیم اندکی در تحول کودک دارد. با این وجود، دلایل مختلفی وجود دارد که انتظار می‌رود پدران، به ویژه در خانواده‌های هسته‌ای امروزی، در تحول و بروز پیامدهای روان‌شناختی فرزندان خود نقش مهمی داشته باشند که می‌توان آن را در سه حالت زیر مشاهده نمود (فلوری، ۲۰۰۵). اول این که، مشارکت پدر در تربیت فرزند می‌تواند همانند مشارکت مادر تأثیر بارزی بر تحول کودک داشته باشد و در دسترس بودن پدر احساس حمایت هیجانی را برای کودک فراهم کند (کابرا و همکاران، ۲۰۰۰). دوم آن که روابط پدران با فرزندان خود از روابط مادر-فرزند مجزا است، به-عنوان مثال پدران بیشتر فرزندان را برای رقابت‌جو و مستقل بودن تشویق و زمان بیشتری را صرف بازی و تعامل‌های برانگیزاننده جسمانی می‌کنند. بنابراین پدران می‌توانند در تحول برخی جنبه‌های تحول کودک نقش مهمی داشته باشند. و سوم این که مشارکت پدر بر رضایت از نقش مادری و سلامت روانی مادر نیز تأثیر دارد که غیرمستقیم بر بهداشت روانی کودک مؤثر است (فلوری، ۲۰۰۵).

چندین مطالعه بر رابطه معنادار مشارکت و درگیری پدر با پیامدهای مثبت روان‌شناختی، حتی پس از کنترل نقش مادر، صحنه گذاشته اند. به عنوان مثال فلوری و باچانان^۶ (۲۰۰۲) نشان

1. Main, Goldwyn & Hesse
2. epistemic space
3. Allen, Porter, McFarland, McElhanev & Marsh
4. Brown & Wright
5. Cabrera, Tamis- Lemonda, Bradley, Hofferth & Lamb
6. Buchanan

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران

دادند که صمیمیت کم میان پدران و دختران نوجوان آن‌ها موجب افسردگی دختران می‌شود. نتیجه برخی پژوهش‌ها در انگلیس نیز نشان داد تعامل بیشتر پدران با فرزندان موجب کاهش رفتار ضداجتماعی و افزایش روابط صمیمانه تر با همسالان می‌شود. از سوی دیگر برخی مطالعات نشان داده اند که نقش پدر فراتر از نقش مادر، تأثیر معناداری در تحول کودک ندارد و یا در برخی موارد اثر منفی دارد. جورم، دیر، ردگرز و کریستنسن^۱ (۲۰۰۳) نشان دادند در خانواده‌هایی که پدران بیش از مادران عاطفی هستند، مشکلات خانوادگی بیشتری دیده می‌شود. همچنین کولی^۲ (۲۰۰۳) نشان داد که ادراک دختران از خشم و بیگانگی رابطه مثبتی با مشکلات رفتاری و هیجانی آن‌ها دارد، ولی ادراک اعتماد و ارتباط والدین پیش‌بینی‌کننده پیامدهای روان‌شناختی نیست. در نهایت شواهد نشان می‌دهد که پدرها تأثیر مهمی بر تحول نوجوان دارند، ولی ماهیت و گستردگی این تأثیر روشن نیست. با توجه به تغییر رابطه دلبستگی در دوران نوجوانی و نیازهای خاص فرد در این دوره، انجام چنین پژوهش‌هایی ضرورت دارد.

هدف اصلی این پژوهش تعیین نقش کیفیت دلبستگی نوجوانان به پدران خود با استفاده از مؤلفه‌های مؤثر در دوره نوجوانی همچون نوع ارتباط نوجوان با پدر خویش، احساس اعتماد به آن‌ها و بیگانگی از وی، در پیش‌بینی نشانگان درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده در نوجوانان بود. بر این اساس فرضیه‌ها و سؤال‌های زیر مطرح شد:

۱. نشانگان درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده نوجوانانی که ارتباط بیشتری با پدر خویش دارند، کمتر است.

۲. نشانگان درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده نوجوانانی که احساس بیگانگی بیشتری با پدر خود دارند، بیشتر است.

۳. نشانگان درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده نوجوانانی که احساس اعتماد بیشتری به پدر خویش دارند، کمتر است.

۴. آیا کیفیت دلبستگی به پدر نقش متفاوتی در پیش‌بینی مشکلات درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده در دختران و پسران دارد؟

روش

طرح پژوهش توصیفی، از نوع همبستگی و جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع سوم راهنمایی و اول دبیرستان تهران به تعداد ۱۲۳۷۱۸ نفر بود. به منظور معرف بودن نمونه از نمونه‌گیری منطقه‌ای و سپس خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. گروه نمونه ۳۲۰ دانش‌آموز

1. Jorm, Dear, Rodgers & Christensen

2. Coley

(۱۷۰ دختر و ۱۵۰ پسر) بودند که از ۵ منطقه آموزشی شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

۱. **سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان**^۱. این سیاهه به منظور ارزیابی ادراک نوجوان از ابعاد شناختی و عاطفی مثبت و منفی رابطه با والدین و دوستان نزدیک، توسط آرمسدن و گرینبرگ^۲ (۱۹۸۷) ساخته شد. سه بعد اصلی این سیاهه عبارتند از: درجه اعتماد متقابل، کیفیت ارتباط و بیگانگی (خشم و عصبانیت). نمره کلی فرد در بعد دلبستگی نشان می‌دهد که کیفیت دلبستگی نوجوان به والدین خویش چگونه است. هر چه نمره فرد در بعد اعتماد و ارتباط بیشتر و در بعد بیگانگی کمتر باشد، رابطه وی با والدین خویش کیفیت بالاتری دارد. نمره کلی دلبستگی نشان‌دهنده کیفیت دلبستگی وی، و در واقع نشانگر دلبستگی ایمن وی است. این سیاهه دارای ۲۵ سؤال و قابل استفاده برای رده سنی ۱۲ تا ۲۰ سال است. ثبات درونی (آلفای کرونباخ) آزمون برای دلبستگی به مادر ۰/۸۷، پدر ۰/۸۹ و همسالان ۰/۹۲ است. روایی آزمون-بازآزمون سه هفته‌ای آن برای والدین برابر ۰/۹۳ و برای همسالان برابر ۰/۸۶ گزارش شده است. بررسی اعتبار آزمون نشان می‌دهد دلبستگی به والدین رابطه قوی با نمرات مقیاس خودپنداره و مقیاس محیط خانوادگی (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۸۷) و رابطه متوسط با مقابله خانوادگی مثبت (لوپس، وودز و الیسون، ۱۹۸۷؛ به نقل از نصرتی، ۱۳۸۳) دارد. دلبستگی ایمن پایین به والدین با تشخیص افسردگی، هم در نوجوان و هم والدین ارتباط دارد (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۹۱). در پژوهش نصرتی (۱۳۸۳) ضریب همسانی درونی این سیاهه برای مادر برابر با آلفای ۰/۸۲، برای پدر ۰/۸۳ و همسالان ۰/۹۲ و در این پژوهش ضریب همسانی درونی سیاهه دلبستگی به مادر و پدر هر دو برابر با آلفای ۰/۹۰ به دست آمد.

۲. **پرسشنامه خود گزارش دهی نوجوان**^۳. این پرسشنامه نسخه مخصوص نوجوانان ۱۱ تا ۱۸ ساله است که بر مبنای نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخنباخ^۴ طراحی شده (آخنباخ و رسکولاس^۵، ۲۰۰۱)، که شامل مجموعه‌ای از پرسشنامه‌ها برای سنجش صلاحیت، کنش‌وری سازشی و مشکلات عاطفی-رفتاری است. در مقیاس شایستگی و کارکرد انطباقی، بخشی اختصاص به مشکلات درونی‌سازی شده (اضطراب-افسردگی، گوشه‌گیری-افسردگی و شکایات

1. Inventory of parent & peer attachment (IPPA)
2. Armsden & Greenberg
3. Youth Self Report Questionnaire (YSR)
4. Ashenbakh System of Empirically Based Assessment.
5. Achenbach & Rescola

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران

جسمانی) و برونی‌سازی شده (رفتار پرخاشگرانه و رفتار قانون‌شکنانه) دارد. پایایی آزمون- بازآزمون با فاصله ۷ روز در فهرست خودگزارش‌دهی برابر با ۰/۸۲ بوده و ثبات درونی آزمون بین ۰/۵۵ تا ۰/۷۵ گزارش شده و نمرات در طول ۷ ماه ثابت داشته است. این آزمون در ایران توسط مینایی (۱۳۸۴) هنجاریابی شده و ضرایب همسانی درونی مقیاس‌های درونی‌سازی و برونی‌سازی برابر با ۰/۸۷ و ۰/۸۶ بوده است. همچنین همبستگی آزمون- باز آزمون با فاصله ۵ تا ۸ هفته بین ۰/۴۶ تا ۰/۴۸ بوده و تفاوت میانگین‌های اجرای اول و دوم در هیچ یک از زیرمقیاس‌ها معنادار نبوده است.

یافته‌ها

۱۸۵ دختر (۵۴/۸۹ درصد) و ۱۵۲ پسر (۴۵/۱۰) در این پژوهش شرکت نمودند. در کل ۴۱/۵۴ درصد از افراد در مقطع سوم راهنمایی (۴۵/۹۴٪ از دختران و ۳۵/۵۲٪ از پسران) و ۵۸/۴۵ درصد (۵۴/۰۵٪ از دختران و ۶۴/۴۷٪ از پسران) از آن‌ها در مقطع اول دبیرستان مشغول به تحصیل بودند. میانگین سنی نمونه در کل برابر با ۱۴ سال و ۱۰ ماه، در پسران، ۱۴ سال و ۸ ماه و در دختران، ۱۵ سال بود و همه نوجوانان با هر دو والد خویش زندگی می‌کردند.

جدول ۱. مشخصه‌های توصیفی دلبستگی و مؤلفه‌های آن، نشانگان درونی‌سازی شده و برونی‌سازی شده

متغیرها	میانگین (انحراف معیار)	میانگین (انحراف معیار)
جنس	دختران	پسران
دلبستگی به پدر	۲۵/۰۱ (۸/۱۷)	۲۵/۰۱ (۸/۰۲)
اعتماد به پدر	۲۱/۹۲ (۸/۹۲)	۲۲/۲۱ (۹/۰۲)
ارتباط با پدر	۲۴/۵۷ (۷/۸۹)	۲۲/۶۶ (۶/۹۹)
بیگانگی از پدر	۲۲/۲۶ (۵/۸۸)	۲۲/۰۳ (۵/۸۷)
نشانگان درونی سازی شده	۱۱/۷۷ (۶/۳۲)	۱۱/۶۱ (۷/۳۸)
نشانگان برونی سازی شده	۶/۸۸ (۵/۱۵)	۸/۵۱ (۶/۹۳)

مشخصه‌های توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد، متغیرهای پژوهش در کل نمونه، دختران و پسران در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری

منبع	متغیر وابسته	مجموع مجزورات	df	میانگین مجزورات	F	سطح معناداری
کیفیت دلبستگی به پدر	مشکلات درونی سازی	۱۷۴۱/۱۰۷	۳۵	۴۹/۷۴۶	۲/۸۴	۰/۰۰۰۱
جنس	مشکلات برونی سازی	۱۹۳۵/۳۰۲	۳۵	۵۵/۲۹۴	۴/۰۲۷	۰/۰۰۰۱
کیفیت دلبستگی به پدر	مشکلات درونی سازی	۱۱/۹۴	۱	۱۱/۹۴	۰/۶۸۲	۰/۴۱۱
کیفیت دلبستگی به پدر	مشکلات برونی سازی	۲۰/۱۲۱	۱	۲۰/۱۲۱	۱۴/۶۵	۰/۰۰۰۱
جنس ×	مشکلات درونی سازی	۴۴۸/۰۸۵	۱۲	۳۷/۳۴	۲/۱۳۲	۰/۰۲۰
جنس ×	مشکلات برونی سازی	۶۳۱/۴۴۴	۱۲	۵۲/۶۲	۳/۸۳۲	۰/۰۰۰۱

جدول ۲ نشان می‌دهد که افزون بر تأثیر معنادار عامل کیفیت دلبستگی به پدر در بروز مشکلات درونی و برونی سازی شده، عامل جنس در بروز مشکلات برونی سازی شده تأثیر دارد ولی در بروز مشکلات درونی سازی شده نقش معناداری ندارد. همچنین تعامل میان عامل جنس و کیفیت دلبستگی به پدر، هم در بروز مشکلات درونی سازی و هم برونی سازی شده نقش معناداری دارد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی بین مؤلفه‌های دلبستگی و نشانگان درونی سازی شده و برونی سازی شده*

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. دلبستگی به پدر	۱	۰/۶۸	۰/۶۱	-۰/۹۲	۰/۵۰	۰/۴۴
۲. اعتماد به پدر	۰/۷۲	۱	۰/۶۹	-۰/۶۲	۰/۴۰	۰/۴۶
۳. ارتباط با پدر	۰/۶۲	۰/۷۰	۱	-۰/۵۰	۰/۲۹	۰/۳۲
۴. بیگانگی از پدر	-۰/۹۳	-۰/۷۱	-۰/۵۶	۱	-۰/۴۷	۰/۴۷
۵. نشانگان درونی سازی شده	۰/۳۷	۰/۳۴	۰/۲۲	-۰/۳۹	۱	۰/۳۹
۶. نشانگان برونی سازی شده	۰/۳۵	۰/۳۰	۰/۲۴	-۰/۴۱	۰/۷۰	۱

*تمام همبستگی‌ها در سطح ۰/۰۰۱ معنادار است.

جدول ۳ نشان می‌دهد دلبستگی به پدر و مؤلفه‌های آن همگی با نشانگان درونی و برونی سازی شده، در دختران و پسران رابطه معنادار دارد. تحلیل همبستگی جداگانه مؤلفه‌های دلبستگی در دختران و پسران نشان داد دلبستگی، اعتماد و ارتباط با پدر رابطه منفی بیشتر و بیگانگی از پدر رابطه مثبت بیشتری هم با نشانگان درونی سازی و هم برونی سازی شده در دختران دارد. البته نتایج تحلیل تفاوت میان همبستگی‌ها نشان داد که تفاوت‌ها از نظر آماری معنادار نیست.

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون نشانگان درونی سازی شده بر دلبستگی و مؤلفه‌های آن در دختران و پسران

مدل	ضریب تبیین	F	سطح معناداری	ضریب بتا	t	سطح معناداری
پسران						
بیگانگی از پدر	۰/۱۵	۲۶/۲۲	۰/۰۰۱	۰/۴۸	۵/۱۲	۰/۰۰۱
دختران						
دلبستگی به پدر	۰/۲۵	۶۱/۲۰	۰/۰۰۱	-۰/۳۹	-۷/۸۲	۰/۰۰۱

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران

در جدول ۴ معنادار بودن نسبت F مبین آن است که بیگانگی از پدر در پسران قادر به پیش-بینی ۱۵ درصد از تغییرات واریانس نشانگان درونی‌سازی شده و متغیر دلبستگی به پدر در دختران، قادر به پیش‌بینی ۲۵ درصد از تغییرات واریانس نشانگان درونی‌سازی شده است.

جدول ۵. نتایج تحلیل رگرسیون نشانگان برونی‌سازی شده بر دلبستگی و مؤلفه‌های آن در دختران و پسران

مدل	ضریب تبیین	F	سطح معناداری	ضریب بتا	t	سطح معناداری
پسران						
بیگانگی از پدر	۰/۱۷	۲۹/۵۴	۰/۰۰۱	-۰/۴۷	-۵/۴۳	۰/۰۰۱
دختران						
بیگانگی از پدر	۰/۲۲	۵۱/۸۰	۰/۰۰۱	-۰/۴۱	-۷/۱۹	۰/۰۰۱
بیگانگی از پدر،	۰/۲۷	۳۲/۹۰	۰/۰۰۱	-۰/۲۶	-۳/۷۱	۰/۰۰۱
اعتماد به پدر				۰/۱۶	۳/۳۳	۰/۰۰۱

در جدول ۵ معنادار بودن نسبت F در دختران و پسران نشان‌دهنده آن است که متغیرهای بیگانگی از پدر در پسران می‌تواند ۱۷ درصد از تغییرات واریانس نشانگان برونی‌سازی شده، و متغیرهای بیگانگی از پدر و اعتماد به وی در دختران می‌تواند ۲۷ درصد از تغییرات واریانس نشانگان برونی‌سازی شده را تبیین نماید.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که کیفیت دلبستگی به پدر در پیش‌بینی مشکلات رفتاری-هیجانی نوجوانان نقش دارد. یکی از جنبه‌های تازه این پژوهش، پرداختن به کیفیت دلبستگی به جای سبک‌های دلبستگی بود که آن را از پژوهش‌های دیگر در حیطه دلبستگی متمایز می‌سازد. با توجه به تغییر نقش رفتارهای دلبستگی در دوره نوجوانی و تعارض‌های موجود میان تمایل به استقلال و رفتارهای دلبستگی دوره کودکی (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸)، به نظر می‌رسد بررسی کیفیت دلبستگی با مؤلفه‌هایی همچون اعتماد، ارتباط و بیگانگی، که مؤلفه‌هایی مهم در ایجاد استقلال و برقراری روابط اجتماعی جدید در دوره نوجوانی است، بهتر بتواند رابطه میان دلبستگی در نوجوانی را با سلامت روان‌شناختی روشن کند.

نتایج پژوهش همسو با مطالعات پیشین (ویلیامز و کلی، ۲۰۰۵) نشان داد که دلبستگی به پدر در دختران و پسران تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد. با توجه به این که معمولاً در پژوهش‌های مربوط به دلبستگی همواره تأکید اصلی بر رابطه مادر-کودک است و بررسی‌های اندکی در مورد نقش پدران در این فرایند صورت گرفته است، از این رو هدف اصلی پژوهش تعیین نقش ارتباط پدران با فرزندان خویش در مشکلات رفتاری-هیجانی در دوره نوجوانی بود. به طور کلی

دل بستگی به پدر و همه مؤلفه‌های آن در دختران ارتباط قوی‌تری با نشانگان برونی‌سازی و درونی‌سازی شده داشت. همچنین در هر دو جنس، رابطه دل بستگی با نشانگان درونی‌سازی شده بیشتر بود. در ارتباط با دختران دل بستگی به پدر مهم‌ترین عامل پیش‌بینی نشانگان درونی‌سازی شده و بیگانگی از او مهم‌ترین عامل پیش‌بینی کننده نشانگان برونی‌سازی شده بود. در پسران، بیگانگی از پدر هم در پیش‌بینی نشانگان برونی‌سازی شده و هم نشانگان درونی‌سازی شده بیشترین سهم را داشت. همچنین نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان داد که عامل جنس در بروز مشکلات برونی‌سازی شده، نقش معناداری دارد. همچنین تعامل میان جنس و کیفیت دل بستگی به پدر، هم در مشکلات برونی‌سازی شده و هم درونی‌سازی شده، نقش معناداری دارد. این نتایج نشان‌دهنده اهمیت عامل جنس در بروز مشکلات رفتاری و هیجانی است.

نتایج پژوهش همسو با مطالعات پیشین (موریس، مسترز و وان دن برگ^۱، ۲۰۰۳؛ ونار و کریگ^۲، ۲۰۰۰) بود. برای مثال موریس و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهش خود نشان دادند که سطوح پایین اعتماد و ارتباط و سطوح بالای بیگانگی از والدین با نشانه‌های اضطراب و افسردگی رابطه دارد، ولی آن‌ها کیفیت دل بستگی را به‌طور مجزا در والدین بررسی نکردند. البته تفاوت‌هایی نیز در این خصوص مشاهده می‌شود، برای مثال، ویلیامز و کلی (۲۰۰۵) نشان دادند که دل بستگی به پدر رابطه بیشتری با نشانگان برونی‌سازی در دختران دارد، در صورتی که در پژوهش حاضر هم در دختران و هم پسران ارتباط بیشتری بین دل بستگی به پدر و نشانگان درونی‌سازی شده بود. هرچند قدرت پیش‌بینی مؤلفه‌ها برای نشانگان برونی‌سازی شده اندکی بیشتر از نشانگان درونی‌سازی شده بود. با آن که در ایران مطالعه‌ای که به‌طور مستقیم رابطه این متغیرها را بررسی کند، انجام نشده ولی پژوهش‌ها نشان داده است که دل بستگی ناایمن در نوجوانان با وابستگی به مواد مخدر (فتحی و مهرابی زاده، ۱۳۸۷) و عدم توانایی‌های هیجانی (رمضانی، شمس اسفندآبادی و طهماسبی، ۱۳۸۶) رابطه دارد.

بر مبنای یافته‌های پژوهش، رابطه پدرنوجوان عامل مهمی - نه تنها عامل - در پیش‌بینی مشکلات رفتاری و هیجانی آن‌ها است. رایس (۱۹۹۰)، به نقل از ویلیامز و کلی، (۲۰۰۵) دریافت که رابطه دل بستگی سالم میان پدر و نوجوان، از آن‌ها در برابر رفتار درونی و برونی‌سازی شده محافظت می‌کند و با کفایت اجتماعی، کنش‌وری بین فردی، حرمت خود و سازگاری هیجانی رابطه مثبت دارد. همچنین، براون و رایب (۲۰۰۳) دریافتند کیفیت دل بستگی به والدین میان گروه‌های بالینی و غیر بالینی تفاوت دارد و نوجوانان غیربالینی دل بستگی ایمن بیشتری دارند. فلوری و بوچانان (۲۰۰۳) گزارش نمودند که ارتباط بیشتر با پدر عامل محافظت‌کننده در برابر

1. Muris, Meesters & Van den Berg
2. Wenar & Kerig

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران

درماندگی روان‌شناختی در نوجوانان است، مارکوس و بتزار^۱ (۱۹۹۶) نیز دریافته‌اند که رفتار ضداجتماعی پسران با کیفیت دلبستگی پایین پدر-پسر رابطه دارد.

هرچند یافته‌ها نشان‌دهنده نقش مهم پدر در سلامت روانی نوجوانان است ولی شناخت مکانیزم‌های زیربنایی این تأثیرگذاری نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد. راه‌های زیادی وجود دارد که ممکن است از طریق آن‌ها رابطه پدر-نوجوان به محافظت وی در برابر مشکلات رفتاری کمک کند. شاید الگوهای درونی در افرادی که کیفیت دلبستگی آن‌ها پایین است، انتظار طرد از جانب دیگران باشد، ممکن است برخی نوجوانان با تجربه اضطراب و پذیرش رفتار بین‌فردی برای حفظ پیوندهای اجتماعی (نشانه‌های درونی‌سازی‌شده)، با این طرد مقابله کنند (ترنر، ۱۹۹۱؛ به نقل از ویلیامز و کلی، ۲۰۰۵). برخی دیگر ممکن است با خشم، رفتار خصمانه و رفتار بین‌فردی پرخاشگرانه (نشانه‌های برونی‌سازی‌شده) به این طرد پاسخ دهند. ولی این یک تبیین کلی برای رابطه میان تعامل والد-کودک و پیامدهای روان‌شناختی در فرزندان است و نکته خاص و منحصر به‌فردی را درباره پدران مطرح نمی‌سازد. در برخی تبیین‌های غربی بر این مسئله تأکید شده است که معمولاً نوجوانان در زمان اظهار هیجان‌های منفی خود، کمتر نگران محافظت از احساسات پدرانشان هستند، شاید به این دلیل که پدران را در مقابل این رفتار صبورتر می‌بینند (زمان و شیپمن^۲، ۱۹۹۷). همچنین نشان داده شده است که محتوا و سبک نصیحت کردن پدران بیشتر کفایت اجتماعی فرزندانشان را در نظر می‌گیرد (مک‌داول، پارک و وانگ^۳، ۲۰۰۳). این منعکس‌کننده انتظارات زیربنایی، رفتار بین‌فردی و راهبردهای نظم‌جویی هیجانی است که پدران تمایل دارند از طریق الگوسازی، به جای آموزش مستقیم، به فرزندان خود منتقل کنند. بنابراین فرزندان که احساس نزدیکی بیشتری به پدر خود می‌کنند و زمان بیشتری را با وی می‌گذرانند، بیشتر می‌توانند این الگوهای رفتاری را بیاموزند و به زندگی خود منتقل کنند و به این ترتیب سازگاری روان‌شناختی بیشتری دارند (ویلیامز و کلی، ۲۰۰۵).

همچنین کسیدی و شاور (۲۰۰۸) اشاره می‌کنند همان‌طور که در کودکی یکی از عوامل ایجاد دلبستگی ایمن، حساسیت مراقب است، در دوره نوجوانی نیز، حساسیت مراقب از عوامل مهم دلبستگی سالم محسوب می‌شود، آن‌ها عنوان می‌کنند نوجوانانی که ارتباط بیشتری با والدین خویش دارند، آسان‌تر می‌توانند نیازها و حالات درونی خویش را با آن‌ها در میان بگذارند و در نتیجه والدین راحت‌تر می‌توانند به نیازهای فرزند نوجوان خویش حساس بمانند. همچنین آن‌ها نشان داده‌اند نوجوانانی که دارای دلبستگی نایمن هستند، معمولاً درگیری بیشتری با

1. Marcus & Betzer
2. Zeman & Shipman
3. McDowell, Parke & Wang

خاطرات مربوط به دوران کودکی خود دارند و به نوعی دچار فزون‌کنشی در حیطه رفتارهای دلبستگی هستند، این امر باعث می‌شود آن‌ها حساسیت بیشتری به نشانه‌های طرد و عدم حساسیت پیدا کنند و درماندگی بیشتری را نشان دهند، در واقع آن‌ها نشانه‌های مرضی، به‌ویژه نشانه‌های درونی‌سازی را در خود بیشتر گزارش می‌کنند. کوباک، کل، فرنر-گیلیز، فلمینگ و گمبل^۱ (۱۹۹۳) نیز گزارش کردند که نوجوانان دارای دلبستگی نایمن معمولاً دچار اختلاف‌ها و عدم توافق‌های بیشتری با والدین خود می‌شوند. همچنین آلن (۲۰۰۵) نشان داد که در دلبستگی نایمن به پدران، یک مشخصه خاص اضافی نیز وجود دارد و آن بحث‌ها و مشاجره‌های لفظی شدید است. در مورد نقش پدر در پیش‌بینی نشانگان برون‌سازی شده می‌توان به نتایج برخی پژوهش‌ها اشاره کرد مبنی بر این که تجارب اجتماعی شدن با پدر به طور مستقیم بر رفتار ضداجتماعی دختران تأثیر دارد ولی در پسران، پیوند پدری به طور غیرمستقیم بر افزایش باورهای اجتماعی در پسران تأثیر می‌گذارد که این باورها به نوبه خود از بروز رفتار ضداجتماعی در آن‌ها پیشگیری می‌کند (کاسترمن، هاگرتی، اسپود و ردmond^۲، ۲۰۰۴). همچنین مارکیویس و همکاران (۲۰۰۲) نشان دادند نوجوانانی که دلبستگی ایمن به پدران خود دارند رابطه تعارضی کمتری با همسالان خود پیدا می‌کنند که این به نوبه خود رفتار پرخاشگرانه را در آن‌ها کاهش می‌دهد.

به طور کلی نتایج نشان داد که هر چند مادران در دوران نوجوانی، همانند دوران کودکی، نقش بسیار مهمی در سلامت روان فرزندان خود دارند، ولی نمی‌توان نقش پدران را به آسانی نادیده گرفت. در خصوص رفتارهای برون‌سازی شده، نقش کلیدی پدران نشان می‌دهد که بازتاب رابطه نامناسب پدران با فرزندان نوجوان را می‌توان در برون‌ریزی پرخاشگرانه هیجان‌ها و تضادورزی دید. شاید رابطه نامناسب با مادر موجب افسردگی و اضطراب در نوجوانان شود، ولی وقتی پدران حضور کمی در روابط عاطفی خانواده پیدا می‌کنند، نقش خود را تنها در تأمین مایحتاج فرزندان می‌بینند و معمولاً به طور غیرمستقیم با فرزندان خود، اغلب به واسطه مادران، رابطه دارند، پیامد آن می‌تواند دوری هر چه بیشتر نوجوان از پدر باشد. البته باید توجه داشت که این نتایج باید با توجه به بافت فرهنگی ایران دوباره بررسی شود. نکته دیگر توجه به ماهیت متفاوت نقش پدر در ارتباط با دختران و پسران بود. همان‌طور که نتایج نشان داد هر چند پدران هم در سلامت روانی دختران و هم پسران نقش مهمی را ایفا می‌کنند، ولی مؤلفه‌هایی که در هر یک از دو جنس اهمیت بیشتری دارد، متفاوت است. به نظر می‌رسد برای شناسایی ابعاد مختلف نقش پدری و ماهیت آن نیاز به بررسی‌های بیشتری باشد.

1. Kobak, Cole, Ferenz-Gillies, Fleming & Gamble
2. Kosterman, Haggerty, Spoth & Redmond

کیفیت دلبستگی و مشکلات رفتاری- هیجانی در نوجوانان: بررسی نقش پدران

پژوهش حاضر دارای محدودیت‌هایی نیز بود. اول این‌که این مطالعه، از نوع همبستگی است و نمی‌توان از آن به نتایج علی دست یافت. دوم این‌که، در این پژوهش از پرسشنامه‌های خودگزارش‌دهی استفاده شد و سوم این‌که کیفیت دلبستگی تنها یکی از عوامل مؤثر در کنار عوامل دیگر همچون عوامل ژنتیکی، عوامل زیست‌شناختی، راهبردهای شناختی، یادگیری و مهارت‌های خودنظم‌جویی است که می‌تواند کمک به تبیین سازگاری روان‌شناختی نوجوانان کند. بنابراین پیشنهاد می‌شود که در مطالعات بعدی، متغیرهای مذکور از جوانب مختلف، به-عنوان مثال والدین، همراه با متغیرهای دیگر و همچنین در نمونه‌های بالینی انجام شود تا اطلاعات جامع‌تری به دست آید. همچنین احساس می‌شود لازم است مطالعه بیشتری درخصوص نقش پدران در سلامت روانی نوجوانان و مکانیزم‌های این تأثیرگذاری صورت پذیرد. نتایج مطالعه حاضر می‌تواند به متخصصان بالینی در حوزه درک بهتر مشکلات رفتاری-هیجانی نوجوانان با در نظر گرفتن عوامل مختلف خانوادگی، از جمله نقش پدر که اغلب نادیده گرفته شده است، و همچنین در انتخاب مداخله‌های مناسب و مشارکت دادن پدران و مادران با توجه به نوع مشکل و جنس نوجوان یاری رساند. همچنین پژوهشگران می‌توانند با توجه به نتایج به دست آمده و محدودیت‌های مطالعه حاضر، به بررسی بیشتر و همه‌جانبه نقش پدر در مقایسه با مادر و بررسی این تعاملات در پیش‌بینی پیامدهای روان‌شناختی دیگر بپردازند.

منابع

- رضائی، ولی‌اله، شمس اسفندآباد، حسن، و طهماسبی، شهرام. (۱۳۸۶). بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان. *پژوهش در سلامت روان شناختی*. (۱۱): ۳۸-۴۷.
- فتحی، کیهان، و مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز. (۱۳۸۷). بررسی میزان افسردگی، هیجان‌خواهی، پرخاشگری، سبک‌های دلبستگی و تحصیلات والدین به عنوان پیش‌بین‌های وابستگی به مواد مخدر در نوجوانان پسر شهر اهواز. *مطالعات تربیتی و روان‌شناسی*. (۲)۹: ۲۳-۴۵.
- مینایی، اصغر. (۱۳۸۴). *هنجاریابی نظام سنجش مبتنی بر تجربه آخباخ*. تهران: انتشارات سازمان آموزش و پرورش کودکان استثنایی.
- نصرتی، محمد صالح. (۱۳۸۳). *بررسی تحولی رابطه پایگاه‌های هویت با میزان دلبستگی در نوجوانان پسر (۱۴، ۱۶ و ۱۸ ساله) شهرستان کامیاران*. پایان‌نامه کارشناسی رشته روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.

Achenbach, T. M., & Rescola, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA school age: Form & profiles*. Burlington, VT: University of Vermont, Department of Psychiatry.

- Allen, J. P., Hauser, S. T., O'Connor, T. G., & Bell, K. L. (2002). Prediction of peer-rated adult hostility from autonomy struggles in adolescent-family interactions. *Development and Psychopathology*, 14: 123-137.
- Allen, J. P., Porter, M. R., McFarland, F. C., McElhaney, K. B., & Marsh, P. A. (2007). The relation of attachment security to adolescents' paternal and peer relationships, depression, and externalizing behavior. *Child Development*, 78:1222-1239.
- Armsden, G. C., & Greenberg, M. T. (1987). The Inventory of Parent and Peer Attachment: Individual differences and their relationship to psychological well-being in adolescence. *Journal of Youth and Adolescence*, 16, 427-454.
- Armsden, G. & Greenberg, M. T. (1991). *Inventory of parent & peer attachment (IPPA)*. Unpublished.
- Bowlby, J. (1969/1982). *Attachment and loss: Vol. 1*. New York: Basic book.
- Brown, L. S., & Wright, J. (2003). The relationship between attachment strategies and psychopathology in adolescence. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research, and Practice*, 76: 351-367.
- Cabrera, N. J., Tamis- Lomonda, S., Bradley, R. H., Hofferth, S. & Lamb, M. E. (2000). Fatherhood in the twenty- first century. *Child Development*, 71: 127-136.
- Cassidy, J., & Shaver, P. R. (2008). *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 419-435). New York: Guilford Press.
- Coley, R. L. (2003). Daughter- father relationships and adolescent psychosocial functioning in low- income African American families. *Journal of marriage and family*, 65: 867- 875.
- Flouri, E. & Buchanan, A. (2002f). Father involvement in childhood and trouble with the police in adolescence: Finding from the 1958 British birth cohort. *Journal of Interpersonal Violence*, 17: 689- 701.
- Flouri, E. (2005). *Fathering and child outcomes*. New York: John Wiley & Sons.
- Gavin, L. E., Black, M. M., Minor, S., Abel, Y., Papas, M. A. & Bentley, M. E. (2002). Young, disadvantaged fathers' involvement with their infant: An ecological perspective. *Journal of Adolescent Health*, 31: 266- 276.
- Greenacre, P. (1957). The childhood of the artist. *Psychoanalytic Study of the child*, 12: 47- 72.
- Grossmann, K. E., Remmer-Bombik, E., Kindler, H., Scheuerer-Englisch, H., & Zimmermann, P. (2002). The uniqueness of the child-father attachment relationship: Fathers sensitive and challenging play as a pivotal variable in 16-year longitudinal study: *Social Development*, 11: 307-331.
- Jorm, A. F., Dear, K. B. G., Rodgers, B. & Christensen, H. (2003). Interactive between mother's and father's affection as a risk factor for anxiety and depression systems. Evidence for increased risk in adult who rate their as having been more affection than their mother. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 38: 173- 179.

- Kobak, R. R., Cole, H., Ferenz-Gillies, R., Fleming, W., & Gamble, W. (1993). Attachment and emotion regulation during mother-teen problem solving: A control theory analysis. *Child Development*, 64: 231-245.
- Kosterman, R., Haggerty, K. P., Spoth, R., & Redmond, C. (2004). Unique influence of mothers and fathers on their children antisocial behavior. *Journal of Marriage and Family*, 66: 762-778.
- Lamb, M. E. (2000). The history of research on father involvement: An overview. *Marriage and Family Review*, 29: 23-42.
- Loewald, H. (1951). *Ego and reality*. In Paper on Psychoanalysis. New Haven: Yale University Press, 3-20.
- Mahler, M. S. & Gosliner, B. J. (1955). On symbiotic child psychosis: Genetic, dynamic and restitutive aspect. *Psychoanalytic Study of child*, 10: 195-212.
- Main, M., Goldwyn, R., & Hesse, E. (2003). *Adult attachment scoring and classification system*. Unpublished manuscript, University of California at Berkeley.
- Marcus, R. F., & Betzer, P. D. (1996). Attachment and antisocial behavior in early adolescence. *Journal of Early Adolescence*, 16: 229-248.
- Markiewicz, D., Lawford, H., Doyle, A. B., & Haggart, N. (2006). Developmental differences in adolescents and young adults use of mothers, fathers, best friends and romantic partners to fulfill attachment needs. *Journal of Youth and Adolescents*, 35, 127-140.
- McDowell, D. J., Parke, R. D., & Wang, S. J. (2003). Differences between mothers' and fathers' advice-giving style and content: Relations with social competence and psychological functioning in middle childhood. *Merrill-Palmer Quarterly*, 49: 55-76.
- Muris, P., Meesters, C., Merckelbach, H., & Hulsenbeck, P. (2000). Worry in children is related to perceived parental rearing and attachment. *Behaviour Research and Therapy*, 38: 487-497.
- Muris, P., Meesters, C., & Van den Berg, S. (2003). Internalizing and Externalizing Problems as Correlates of Self-Reported Attachment Style and Perceived Parental Rearing in Normal Adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 12 (2): 171-183
- Pleck, J. H. & Stueve, J. L. (2001). *Time and paternal involvement*. In K. Daly (ed), Mining the time in family experience: Emerging perspective and issues. Stamford: JAI Press.
- Wenar, C., & Kerig, P. (2000). *Developmental psychopathology: From infancy through adolescence* (fourth edition). Boston, MA: McGraw-Hill.
- Winnicott, D. W. (1990). *The theory of the parent- infant relationship*. In the Maturational Process and the Facilitating Environment, London: Karnac Book and the Institute of Psychoanalysis, 37-55.
- Williams, S. K., & Kelly, F. D. (2005). Relationships Among Involvement, Attachment, and Behavioral Problems in Adolescence: Examining Father's Influence. *The Journal of Early Adolescence*, 25: 168-196.

- Wisdom, J. O. (1976). The role of the father in the mind of parent, in psychoanalytic theory and in the life of the infant. *International Review of Psycho-Analysis*, 3: 231-239.
- Zeman, J., & Shipman, K. (1997). Social-contextual influences on expectancies for managing anger and sadness: The transition from middle childhood to adolescence. *Developmental Psychology*, 33: 917-924.

Archive of SID